

جای اداره کتبا

در - غلامحسین کتانی

ملکرافات و مکاتیب

باید عنوان ذیل باشد

فومن - جنگل

براه چهارمربع طبع و توزیع خواهد شد

کتاب نمره قیمت شاهی

مکتب

۱۳۳۵

بمبارخ بوم شنبه ۲۲ شهر محرم الحرام ۱۳۳۶

تخصیص اجرت لوازم و مکاتیب

مضمونی باشد در اداره است

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نمیشود

در اشراک بعد از نمره اول

قیمت اشراک

یکبار هفتاد و هشتاد

این روزنامه فقط نگامسبب حقوق ایرامیان و متور افکار اسلامیان است

باید عهد بستیم
 میگویند نویسنده که خود را متور افکار ملت بزرگی معرفی میکند و قلم دست گرفت بر قدر و خواجه پیشکی و سیاسی دولت خود را در نظر داشته باشد باز هم تا حدی نباید انصاف و وجدان را زیر پا گذاشته بر ضد حیات یک ملت و ملکی سخن مسرید و برای اجرای خیالات و هیاهو عده از زمام داران امور مملکت خود باب سخت و آزار یک قومی متوجه نماید .

بگ مخرز محافظت کار و یک روزنامه نگار ارتجاعی که اخبارات و جدانی خود را فدای اغراض یک عده مغینه نموده مثل جریده حق سوز مشرق نزدیک همه در استیفاء حقایق و تبیین حقوق مسئله دیگران سعی باشد بدی است از موضوع مصاحبه تا خارج است مقصود ما کتانی هستند که خود را حامی حریت و طرفدار انسانیت جلوه داده و دعوی آدبیت میکنند .

و وظیفه یک مدعی مرآت و ادبیت چیست
 واضح است برای حفظ منافع غیر متوجه دولت خود از این انصاف خارج نشده و در ضمن حال قومی اقدام کند قنای

یک ملت را بی شرف مقاصد تجاوز کارانه حکومت خود را عقب نهاده و با هم منافع موجود دولت خود حقوق نایب ملت دیگر را مال نماید .

از بیاید این مقدر میگذریم و مقاله مندرجه در جریده رسکو اسکو را که در شماره قبل و عده مذکوره از داده بودیم مطرح نموده با معذرت و نزاکت کامل بالضروره بمحترم محترم ما را استوجاب این نکته نموده و قدری با او محاکمه وجدانی کرده و مضنین حاسس را مصدق بیانات خود قرار میدهم

ما هم میگوئیم رسکو و اسکو و اسکو میگوید
 جای تعجب است که با حقوق انکت خود را تا این منطقی فلسفی بلکه حتی باید بیانات نموده و قائمه دلیل کنیم که حفظ حیات و بقای قومیت و صیانت شرافت خود را ذمی حقیق نسیم و دیگران تجاوز خود و تعدی خود میکنند از این خود جلاده اینکه پرده پوشی میکنند بغیر حق میگویند ما را متور قرار میدهند .

ما هم میگوئیم ایرانی مستقیم باید در مملکت خود برتر زندگی کنیم رسکو و اسکو میگوید با بودن دولت ما حق نداریم در خانه خودمان با بایس زندگی کرده و با اظهار انکت نماند

ما میگوئیم حیات استقلال با باده محفوظ بماند روسکو و اسلو
میگوید باید استقلال و ملت شما فدای اغراض جاگیرانه
عده از زمام داران باشد .

ما میگوئیم جمعیت با برای معالجه در و دایمی بد زبان است
که آن در دما را بهایگان مهربان برای مائینه کرده اند
روسکو و اسلو میگوید معالجه در دایمی شما مقاصد ما

عنائی است .
ما میگوئیم اگر مسلح شویم برای مصونیت خانه ما و حفا
عوض و ناموس است روسکو و اسلو میگوید قوی می
مسلح شوید که مثل بعضی شیرخان ایرانی نوکری را از حیات
و با اتفاق و قربانی حرم و طمع بریطانی حش کش کرده

ما میگوئیم هر نفس آزاد و مختار است که خود را ادا
کرده و از تعرض اغیار محفوظ باشد روسکو و اسلو
میگوید ایرانی نباید اداره شده و مملکت خود را از
هجوم حش شکنانه بهایگان محفوظ بخواهند

ما میگوئیم چنانکه کمر گرفته ایم بطرفی ما را خشم شما نه
ما را با ما و اگر نماند و بخلاف تو این بین الللی با ما
رفقار کنند روسکو و اسلو میگوید نقض بطرفی و سون

قشون مملکت شما را بکلی باید خراب و مضمحل نماییم
ما میگوئیم دولت مستبده روسیه بجز یک انگلیس
عده را بر از احوال نظامی کرده بر اینان را بر سر تجاوز

خود نموده حکومت فعلی روس باید گذشته را چهره
کرده در آتیه محو است و خوت بر از نماید روسکو و اسلو
میگوید حکومت عالی روسیه باید با اثر قدحهای دولت
تنبه میر کرده همه وقت ایر از افسار تجاوز و

اذهت خود نگه دارد

ما میگوئیم آنچه وعدهای با جرات حریت پروران
روسیه در حفظ ملل مظلوم خصوصاً ایران باید فاش شده

بطلومی و بیچارگی ایرانیان ترحم کرده زیاده بر این این مملکت
قدیم را بوجود قشون خود و مد ظلات غیر مشروع در شکنجه
عذاب و زحمت جوانی و عمارت که ندارند روسکو و اسلو
میگوید در شرع بیات با وفای بهبودی که محض است و
شمار حق ضمیمه تقاضای نیست بلکه اظهار مظلومیت شما
و نار دایمی شما از تجاوز ملت ایگان مصیبت بزرگی خواهد بود
ما میگوئیم همچگاه ایرانیان با دول خارجه خصوصاً دولت
روس در مقام خصومت و خلف عهد نموده و خصوصاً
با روسی که اسیر روس همه نوع صمیمیت ظاهر نموده و
خواهد نمود بالعکس آنها چیزیرا که در باره ما محل توجه قرار
نمیدهند و فای عهد است .

ما میگوئیم دولت عالی روس با در توقف و
خود در ایران و اینهمه خوا بهای مجید و حصر که هنوز هم در
تراب است چه مقصودی است و تاکی باید فرزندان روسیه
و نفع کاران با شرفی که بحرکات معشانه خود احوال

حریت و روح روسی را تقویت نمیدانید مجادله
در مسلحی که بریطانی حقیقت کشش برای اولاد بشریت
کرده قربانی گشته و بران محنت دیده و تحقیر این

ملتیک پوسیده و چار همه نوع مصائب شود روسکو و
اسلو میگوید باید تمام شرب الیه و بهای بیات بعضی
از رجال با را کور کورانه تصدیق کرده ابد آغاز تقیدی

نشود که برف یار بر میخورد
اگر از جراید محافظه کار (نو و صبا) و سرق برود
که صدای زشت آنها از غضب خواب الین شویم بر آن

چنین استناد می میدیم با که دولت و دولتنگلی
نیکردیم زیرا مسلک مخالف معذی آنها استانی است
که در هر سر بازار می است .

اما از روزنامه روسکو و اسلو با مسلک خوب

طلبی و دعوی انسانیتش در ذکر میگوید مضامین خلافت
حقیقت و پارحیرت میثوم

ما چه بد عهدی کردیم؟ در خلافت
شیاطینی از ما بروز کرد؛ دولت روس که کلام
عهد خود وفا نمود؛ کدام یک از مواعید
خود را صاف و قافیه موقع اجرا گذاشت؟

زهی تعجب ناگلی باید گوید می پرچم و پهلوانی
طلبی نمانیم پس از بر طرف شدن ابرهای تیره استبداد
و تسکین دولت مشروطه تا امروز آنچه وعده میگردید
آزاد با واد و بچیک بجز می نشد سهل است نسبت به
عهدی را هم با امید بسته به بر این است آن نویسنده
محترم قدری با ایران مسافرت نموده بچشم خود مشاهده
کند مظالم و فجایعی را که نظامیان و نمایندگان روسیه
در ایران مرتکب شده اند و از روی وقت صفحات
خونین این مملکت بلاکش بی آزار را مطالعه کرده کاملاً
متحضر شود که ایران برای سوت قشون همایکان بصورت
خرابیه و دشت ناگلی گردیده

عجبا با نسبت میدهد که با دولت عثمانی
مشهد هم و با پول الممان و ترک قیام کردیم
آن نگارنده محترم را در ذکر این جمله چه مقصود می
اگر وحدت دینانی ما را میخواهد مطرح نماید جای انکار نیست
زیرا که همه مسلمانیم و متحدین بیک دین برای طلب
خاطر آن نویسنده محترم تمام ملت ایران نمیتواند از دین
اسلامیه صرف نظر نماید اگر مقصودش از تشکیل نیست
اتحاد اسلام است مسلم است که تاسیس این ایس
برای رفع اختلافات جزئیة مذہبی بین تمام مسلمین دنیا
اختصاصی به دولت عثمانی ندارد در این صورت هیچ
عاقلمنصفی نمیتواند بگوید که در این امر مقصد سیاسی بود

و یا خواهد بود همه تبعات او مان عالم در رفع اختلافات
جزئیة دینیة بین خود اگر اقدامی کنسند بی شبهه تقید ما
بر خلاف انصاف خواهد بود

اما اتحاد پلیسیکی و سیاسی را اگر مقصود داشته باشد
صریح و واضح میگویم چنانیکه علامه استخارن و او ایم
برای ما عثمانی و المانی روس و بریطانی نه داشته
بلکه بار و سیه شتیر در مقام کجیستی و داد و بوده ایم مملکت
خود را از تعرض دیگران محفوظ میخواهیم هر که بماند
کرد خصم خود میدانیم هر که با جرمی ز سانسید با او صمیمانه
دوست خواهیم بود هر کسی مملکت ما سوت قشون
نموده بطرفی ما را نقض نماید او را متعدي و متجاوز خواهیم
دانست خواه روس و انگلیس باشد خواه عثمانی و المان

قیام احرار ما، نهضت وطن پرستان ما، فداکاری
خوانان ما، فقط برای خطه بطرفی و ایتیت داخلی و رفع
تعرض متعرضین و تقویت جریت و استحکام استقلال
ما و جلوگیری از فساد و انتریک انگلیس ظالم است
چنانکه گفته ایم باز میگویم ما را با کسی سر نزاع و جنگ
نیست تمام ملل عالم محبوت است جس بشرا عموماً با وجود

میدانیم ما اقوال فیلسوف بزرگوار خود را تقلید نمیکنیم
بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش یک جوهرند
چه عضوی بدر آور و در روزگار دیگر عضو ما را نماند
صرف نظر از ذکر سوانح ماضیه از اول قیام جنگلی تا
الکون کی اقدام تعرض نمود؛ از کدام طرف نامی تمام شد
بعد از تشکیل دولت و موکراسی روسیه اظهار ماردی
که نمودند تا امروز که با نظار ایفای مواعیدشان مستمم از
کدام یک نقض عهد ظاهر شد از ما یا از شما؟
ایا در این مدت غیر از بگرنگی و صمیمیت حرکتی نمودیم
بر خلاف عهد قدیمی کردیم؟ ما خود را از ریاد و درو

که شیوه دیپلوماسی های امروز می است مبرامیدیم
 تا آخرین دقیقه امکان عهد خود ثابت خواهیم بود
 اما حکومت روسیه آزاد با صفا خلف عهد
 جمیع دوره تراری را تجدید بلکه شدید تر نمود
 اردو، قزوین، بهمان، کرمانشاهان و سایر
 قطعات ایران بهترین کواهی است که بیچکس را
 موقع انکار نخواهد بود در بهین کیلان در اطراف
 رشت هنوز خون روس سرکب افغالی بشوند
 که حساب میرت است

در اخذ قونولها باز همان ترتیب خود سرانه
 سابق باقی است هنوز امتیازات غیر قانونی در
 جریان هنوز بیشترین مشرف را که نموده اند
 نمایندگان روسیه من غیر حق حاکم کرده اند
 از طاعت دولت بوعشان باز میدارند
 هنوز دموکراسی روسیه حاضر نشد در بین
 قحط سالی ایران از قشون خود تکلیف کرده است
 ظاهره را از گرسنگی و بلاکت رهایی دهند تا نیم
 مردم ایران با کمال حسرت نگاه میکنند که نظامیان
 مسایگان قوت یومینه آنها را بر زور و تهدید گرفته
 اطفال خود را سال در اوسن بدرو ماوار شدت
 گرسنگی غالب می کرده قادر نشدند مان خود را
 برای حفظ جان خود نگه دارند

هنوز اتباع روسیه در ایران از ادای لیاقت
 دولتی اشکاف کرده بلکه تشبیه بوجدان و
 اشخاص ردل که بانها اشکال کرده اند از دادن
 مالیات امتناع دارند هنوز مظالم دوره تراری
 در ایران بکمال شدت عرض اندام نموده اند
 که درق پاره مارا کجایش شرح آنهاست با این

حال بار بار بد عهد میخوانند ما این مظالم این عهد
 سنگینی ما این تهمت ما این ترانه های دیپلوماسی
 بدموکراسی یا احراز روسیه هرگز نخواهیم نیت داد
 زیرا دموکراسی تعدی نمیکند دموکراسی عهد
 نیت دموکراسی اقوام مختلفه را فرقی نمیکند اردو
 روح دموکراسی تمام اجراء دنیا را متحد نماید
 دموکراسی ظالم نمیشود دموکراسی تجاوز بهایگان
 ندارد دموکراسی حامی ضغافات دموکراسی
 طرفدار مظلوم است دموکراسی توانمند است
 مراعات میکند بلکه این همه متاعی که هنوز هم
 دچاریم از قوه ارتجاع است که در روسیه بازیم
 کار فرما است بی همان قوه ارتجاع است که کار کار
 اجراء روسیه را عقیم کرده است ملت با سرفت روس
 را از فواید حریت محروم نموده این همان قوه ار
 تجاع است که مثل رجال در بار تراری بازم مروج
 پلنیک خداراه انگلیس شده میوهها جوانها
 گرا بنهای روسیه را فدای مقاصد سود و بارند
 نماید این همان قوه ارتجاع است که اشغ خورشید
 دموکراسی را در میان ابرهای لثیف استبداد محشی
 کرده و مانع است له اولاد روسیه از تربیت آن
 قطع شوند این همان قوه ارتجاع است که روس را
 با همه بجران های زجره شکافش حاضریت جنگل
 انهدام رهایی داده فدای ترور بر بطانی کنند
 این همان قوه ارتجاع است که بازم ایران را
 میخوابد و جنگل تعدی خود نگه داشته و بلکه خفتنا
 آری این زمره ما این نغمه ما همان قوا
 ارتجاعیه مبراه ما این نغمات ما فخرها س
 بیجان خود را مرکز نزل نمیکنیم و مطفرت تمام وقام

دموکراسی روسیه را منظور داریم که برای آن
منظوریت ایرانیان هم از تجاوز و تعرض خست شده
با صلاح خرابهای خود مشغول شوند

ما منظور داریم بچنانکه روسیه و فساد انگلیس را کاملاً
مبوق شده ایم احراز رویه نیرزی برده و تلفت
شوند که انگلیس برای اجرای نیات سوء خود در
حال قوه ارتجاع را تقویت نماید

ما منظور داریم جوانمردان روسیه حکومت خود را
با یک قهرمانیت دیگر از این لیبیک بی صوفیه
منصرف داشته و گذارند به مش از این یک ملک
بزرگ خراب حق کشی های انگلیس مکار شود انتی

از مکاتیب واروه

در بعضی نرات جریده فریده جنگل که امروزه تنها
روزنامه ایست که بتواند بحال آزادی افکار بدون
سجقه ملاحظه قلم آتشین حریت پرور خود را برای
گویی و حقیقت نویسی و داد خواهی ستمزدگان ایرانی
بجولان درآورد دیده شد که هم ردی و هم آگاه
برادران شمالی را با فلک زدگان جنوبی مخصوصاً
کربان که در زبر فشار سر سیمه خون الود اولین فیانکار
ولهن فردش سرور نصرت یا حاجی صدخان جنوب
جان میدهند کوشند فرموده بودند

اگرچه در ملک ما امروزه دادرسی نیست و
امور قضایی بخود گرفتار و پای بند میاشند که میل با
فرصت کوشند دن با نیمه آه و ناله نادریا دای
جگر خراشیک از اطراف بلند شده و میشود دارند
دلت ایران حکم یک گلگه کوشند بی ثبات را دارد
که در پابان بی صاحب و بیس اداره و طبعه کرا
خونخوار داخلی و خارجی میشود

لیکن بچنانکه مشنوم ولی پسیم که نامهای ما در قلوب
پرور برادران شمالی اترات خود را بخشیده و کلمت برادر
خود را که بر نشنگها از آنان دورند فراموش ننمود
بک قسم تسلیم و دلگرمی برای ما حاصل شود اینست
که توسط آن گرامی نامه آزاد نشنرات خود را از احاطه
هر پروری برادران شمالی که اساس آن بر پایه
مشکلم نوع پرستی و بناگلی ملی گذارده شده است مان
برادران تقدیم داشته امید داریم مجاهدت غرضه
جوانمردان ایران پرست یک آینده روشن
برای این ملکت سیه روز تیره روده کار تهیه نماید

در فائمه استند غامیکم این مختصر را بنام سپاسگذاری
و حق شناسی مادر اولین شماره جریده درج فرمائید
از طرف مصیبت زدگان

اخبار شهری

آقای مدیر جریده جنگل متمنی است شخص تشویق و بر
محصلین این چند سطر را در آن نامه گرامی درج فرماید
دستان فردوسی که قریب دو سال فریم
از تده تا نسیم آن میگردد در دستان گذشت
موفق شد که در موقع امتحان چهار نفر از اطفال را
که تحصیلات شش ساله آنها تمام شده و از عهد
استحان هم بخوبی برآمدند تصدیق نامه داده از
مرخص نماید

پس از امتحان رئیس معارف بطهران ترف
برده و تصدیق نامه را هم موکول بر ارجحت نمود
به بنجانه گو با معاودت ایشان موقوف شده است
بیت نظار دستان هم توقف ایشان را در
بی نتیجه دید و لهد مجلسی تگلس داده و تصدیق نامه
با معضای معلین و بیت نظار با قایان ذیل را

میرزا غلامرضا پیرشدهی اکبر رحمت الله خان
پیرنجد الملک میرزا محمد علی پیرشدهی محی بخار
میرزا محمد علی پیر مرحوم میرزا مهدی

کوشش محصلین دستاورد افتخرا

مستاقب آنکه روز ع محرم الحرام چنانچه حرمه فرید
آموزگار شرح آنرا مفضلاً نوشته اند اطفال تقسیم
بر پنج رابین فقر کافی ندانست و در صد و صج وری
اعانه بیامند بعد از در ششم محرم از بعد از ظهر بود
ساعت از شب گذشته در کاروانسرا با مجالس
خوانی دار شده پس از خواندن نطقی که رایج بود
با عانت و دستگیری ضعیفا صدوق اعانه را که بر
داده بودند در نزد هر یک از حاضرین برده ای تم
با کمال میل هر یک مبلغی در آن صدوق بخش
از رقم گردش صدوق بار در حضور آقای غایت
خان نمایند محترم بنت مقدس اتحاد اسلام و چه
تفراتایان دیگر باز کرده و مجموع عایدی را با یکدیگر
توانستند که تجار سرای حاجی میرزا احمد بزرگ تخیل
نمودند و بالغ بر دویست و شصت تومان میشد
در نزد آقای حاجی رضایتیس مطبوع بود بعد گذارند
که پس از انقضاء ایام تفضل تصویب بلدیة بین فقرا
تقسیم شود

امید است رجال و ارکان مملکت هم تاسی
باین خورده سالان نموده اسباب آسایش گشت
آواره شدگان از وطن را در این مخط سالی فراهم
آرد که بیش از این در کج خواهر امام و خرابها مجال
امضائی از کرم سنگی تلف نشوند

جنگل

در شماره ۱۳ جنگل شرحی راجع بر عایت فقرات
قد و چانی در مجالس روضه و صرف و جو آن
برای این اشخاص ذکر می شده بود مشظ بودم
که بیانات ماحسن اثر بخشیده مردم کاطالی سربند که
احیای نفس بهتر از بعضی پذیرانی های غیر مستخرج
خوشبختانه از درار اطلاع می که پیدا کرده ایم الهی السلام
که باید رفتارشان سر مشق سایر نقاط باشد و این
تقصیه مشغول دادن نمانشی هستند که منصفانه باید
ترقی معکوس را در باره آنها معتقد شویم چانی را
ظاهر آزرک کردند بجای او دو شیوه مرضیه
معمول باشد است

اولاً میبایست در زاویه دکان مانند درستی
اطاقهای خودشان در کمال رشادت بی آنکه
بفهمند بجزد و خود و همه چیز خیانت میکنند باقد
ند اقلابا شکر چانی را صرف نمایند
ثانیاً در مجالس روضه و این چنین باشد بود
میدهند در این رویه نمیدانیم آقا با چه مقصود
دارند که را میخواهند فریب بدهند خدا را با
یا خودت نیز چانی که گناهی نگرده بود باز چانی از
لایحان هم عمل میباید اما در چنین نقطه مخصوص
هندستان است و ما با دولت و ملت و ملت
طرف نمودیم که قدر و کس را ترک کرده دارد
و قدر و شکر انگیز را بجای او استعمال کنیم بجز
مقصود ما این نبود که قدر و شکر باین گرانای صرف
نشد و از این اسراف بهوده دست کشیده
قیمت او را بنام دیانت و انانیت با بنام
خود نماند همان در چنین

با قدر و شکر ابراز میکنند باین بچارگان و بدستخاکیه
 سرگذراده راه مالک تریب تا نفس زندگی میکنند
 به پند از این خوش مزه گی ها یک بعضی از اهالی
 میمانند معلوم میشود که در کارهای خیر و حتی در صرفه
 جانی خودشان هم باید با الاجبار اقدام نمایند
 یک نفر شمع روضه یک فغان دارین
 دادن بهتر است یا با قیمت همان یک فغان
 یک گرسنه را از پلاک زمانی دادن بهتر خواهد بود
 خوشودی خدا در سول و حضرت شید الشهدا
 اروا خافده در رعایت فقرا و اعیان نفوس
 محترمه انسانی است نه در صرف دارین و شکر
 بگذراند اشک در این حالی که قحطی تمام ازلین
 را بقضا تهدید میکند خداوند کیسایان را در ارباب
 نریب نعمت نموده و این بچارگانیک ترک فغان
 گفته و بمت ایشان التماس متوجه شده است بحال
 مساعدت را ظاهر نموده و سر حدیث شریف
 علیکم بار الرزق انما شکار سارند
 هر که ظلم کند بد است
 همچنانیکه هبت اتحاد اسلام بسیره در وین
 سایر احوار حاضرینت که مالک بر رعیت ظلم
 نماید همچنین ظلم رعیت را مالک جایز نمیداند
 مالک از رعیت مال الاجاره ملک خود را
 مطابق قانون مقدس اسلام و حق است
 اضافه حق ندارد بگیرد رعیت هم باید بر طبق
 همان قانون حقوق مالکیت مالک را ادا
 نموده حق تجارز داشته باشد از گوشه کنار
 شنیده میشود که امسال رعایا به بهانه سوخت
 خیال دارند با مالکین رفتار غیر عادلانه نمایند

لازم است عموم رعایا را متوجه باین مسأله نمایم که
 ظلم از هر کسی بر در کرد قبیح و منفور است مالک باشد
 یا رعیت نه از باب حق تجارز دارد رعیت
 مستأثر از بعضی بی تربیتی ها که بالاخره متخیر بهرج و
 مرج میشود جدا جلوه گیری خواهد شد

توضیح

آقای کارگذار در مسئله اقدام آقای حاج میرزا
 مجتهد و اموال مفاخر الملک توضیحی با اداره فرستاد
 که برای ضیق صفحات این شماره در بخش انشا
 آتی محول بنمایم

راه شوشه سیر بازار

اداره راه شوشه که ملزم بدائر نگاه داشتن راه
 و ساختن پلهای مخروبه است
 مدتی است از جوانی بل و سطر راه گذشته
 در ساختن آن اقدامی نه نموده برای اینکه تجار
 متاصل شده باره این غیر قانونی سیر بازار
 محل مال التجاره نمایند
 از فعالیت آقای کارگذار اقدام جدی این
 مسئله را انتظار داریم

باز هم معذرت

برای اصلاح نواقص مطبوعه و اخیر در تهیه لوازم اصلاح آن
 بجهت طغیان آب و شدت باران طبع روزنامه تا بنابر
 افتاد ما از عموم مشترکین معذرت خواسته از خداوند
 توفیق میخواهیم که در آیه مرتباً مطابق وعده که دادیم عمل نمایم

تشکر

جریده شریفه فیه از منظره کرمانشاه که جذبی است
 رونق جدیدی بعالم مطبوعات بخشنده جریده جنگل تقریر
 نموده بسیار تشکر گفته و تحیات مبارکمان آن گرامی جریده را
 خواستاریم

چرخد پرند

خدایا به وطن رحم کن

در ازمن

در ازمن کسی است که اقدامات شمعان پستین جنوب را با هم راند امری با افسرهای انگلیس در کرمان و انار راه یزد و دوج با تخمین و تعظیم می بیند ولی در جنگل گیلان پول این الدوله را نمی بیند که چه میخورد

بیرسد

پول این الدوله

صرف پلیس جنوب میشود تا وطن را حفظ نماید

شاهنشاهی

یک قطعه از وطن است که برایت این الدوله اداره میشود

بی تکلیف

رژمانه جنگل است که در خدمت و داعی حضرت ارتش بسیار اعظم و سایر بزرگان وطن مخصوصاً فرماندهان و سردار حضرت که در قسمت جنوب نظرشان بنگارگری وطن است خود در می میکند

وحشی

در اینجائی نیستند که برای حفظ شرافت وطن پلیس جنوب میشوند

مغزیه

هرگز این بابا بادی نرسیم میکنند ولی گامیه آباد در ترمیم بجوابی

دو امی سر السامه

حضرت حضرت امیرت آقای وثوق الدوله در هم ملکات و گامینه حاضر است تا چاره وطن بهم باید معالجه شود

در لویه تجویز... باشد

اکتشاف

بطوریکه تحقیق کرده ایم و به تجربه رسیده ام در ترمیم بجوابی فقط منحصر بوجود آقای وثوق الدوله است در فقدان وجود مقدس کار وطن بچاره چه خواهد شد

حافظ وطن

پلیس جنوب است که وطن با و افتخار میکند

مستمر و

جنگلی هستند که پلیس جنوب میوند نه قزاق شمال

رفع اشتباه

سالهاست که جراید جمعی از محترمین مملکت را خائن و از فرزندان باخلف وطن معرفی نموده اند

پیر روشن ضمیر آقای امیر کبیر حضرت امیر و اهل انظار

دیگانه پهلوماسی ایران ناصر الملک ایضا حضرت امیر شرفیه

اعظم و بکذا جناب وثوق الدوله و همچنین حضرت

والا فرمائنا و غیره

خدا رحمت کند علی محمد خان امیر بهادر قوام سیراز هر چنانکه آنهاست عمر سردار حضرت باشد اینها قابل تذکره نیستند حال آنکه شد که تمام از عرض بوده و اینها شب و روز مراقب حفظ وطن و در وطن در عرض حقوق ایشان را در

تعلی کلاه نقی سر

یعنی کلاه وزارت و حکومت است که متصل بهم بیاد می شود

مزمور

جناب حاج معاذ خاکیه دوله است که دو ماه بعد از خود حقوق آتیه را ملگرافی از اداره مالیه گیلان

مطالبه دارد

کم روتر

نور جهان سپید که مثل پوستین از قلند رنگد رنگد